

دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی اسال سیزدهم

پاییز و زمستان ۱۳۹۷ شماره چهل و هشتم

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از جعفر شهری

اعظم لطفی^۱

ویدا وفایی^۲

چکیده

در این مقاله برآنیم که با معرفی سبک رئالیسم و ویژگی های آن، به مؤلفه های طرح شده در ساختار روایی رمان های رئالیستی دست یابیم. رئالیسم به منزله نگرشی در هنر و ادبیات و روشی دقیق برای باز نمایی واقعیت در آثار هنری و ادبی است. در واقع رئالیست ها نگاه کاوشگرانه خود را دقیقاً به دیدن مشکلات اجتماعی نظیر فقر، فحشا و محرومیت ها معطوف می دارند و مصداق ها و نمونه های آن را در برهه ای خاص از زمان و نیز مکانی خاص دستمایه نوشتن می کنند. در این مقاله با بررسی دیدگاه ها و نظریه های متعدد راجع به سبک رئالیسم، مؤلفه های این سبک از جمله زاویه دید، مکان، زمان، توصیف، شخصیت پردازی و پیرنگ را در کتاب های «شکر تلخ» و «گزنه» از «جعفر شهری» مورد بررسی و ارزیابی قرار داده ایم. روش تحقیق در این پژوهش کیفی، بر مبنای هدف، توصیفی - تحلیلی و بر مبنای پیشینه پژوهش توسعه ای - ترویجی و روش گردآوری داده ها اسنادی - کتابخانه ای می باشد. از آن جا که سبک رئالیسم عرصه وسیعی از ادبیات معاصر و حتی برخی آثار کلاسیک را به خود اختصاص داده، لذا امید است تعمیق بیشتر بر روی این جنبش و بررسی آثار نویسندگانی چون «جعفر شهری» که درباره شان تا به امروز گامی جدی برداشته نشده است، راهی هموارتر برای علاقه مندان به رمان ها و مجموعه داستان های سبک رئالیسم باشد.

کلید واژه ها: رئالیسم، شکر تلخ، گزنه، جعفر شهری.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی alotfi90@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی vi.vafae@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۱

مقدمه

ادبیات نقش بزرگی در انجام دادن وظایف تازه ای که زندگی نو بر عهده مردم گذاشته است داراست، ادبیات به نحو ثمر بخشی می تواند مردم را آموزش دهد و افکار عمومی را دگرگون سازد و این نتایج به وسیله ادبیات واقعاً بزرگ و عمیق و جامع رئالیستی بدست می آید. ادبیات نهادی اجتماعی است و نیز از زبان به عنوان وسیله بیان استفاده می کند که آفریده اجتماع است... از این گذشته، ادبیات "زندگی" را به نمایش در می آورد، و "زندگی" تا حدود زیادی یک واقعیت اجتماعی است (ولک و وارن، ۱۳۷۳، ۹۹).

حضور و نفوذ مکتب ادبی «رئالیسم» در آثار داستان نویسان تا به امروز ادامه دارد، تا جایی که هنوز آثار داستانی بسیاری در قالب این مکتب ادبی به نگارش در می آیند و در کنار سایر مکاتب ادبی به حیات خود ادامه می دهند. از جمله داستان نویسانی که به نگارش داستان های رئالیستی پرداختند، جعفر شهری می باشد که زمینه را برای داستان نویسان بعد از خود هموار کرده است.

«شهری» در رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» توانسته اوضاع اجتماعی جامعه صد سال پیش را به نمایش بگذارد و مسائلی همچون فقر و تنگدستی، جایگاه متزلزل زن ایرانی و... را با به کار بردن شخصیت های داستانی واقع گرا مطابق داستان های رئالیستی به روشنی تشریح نماید. با توجه به درون مایه، زاویه دید، پیرنگ و زمان و مکان، شخصیت پردازی و توصیف رئالیستی که در دو رمان شهری دیده می شود، آثار او را در این سبک مورد ارزیابی قرار داده ایم.

با این مقدمات، در این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش هستیم که مؤلفه های رئالیسم در رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از جعفر شهری چه جایگاهی دارد؟

فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که از آن جا که عناصر این داستان ها هماهنگی بسیار زیادی با مؤلفه های داستان های رئالیستی دارد، می توان این سبک را بر روی مجموعه رمان های این نویسنده بررسی نمود.

ریشه واژه رئالیسم و تعریف آن

رئالیسم یا واقع گرایی از ریشه لاتینی Real به معنای واقعیت، واقع گرایی و به گفته گرانث از ریشه Res به معنای چیز، شیء یا چیز گرایی گرفته شده است. (گرانث، ۱۳۷۵، ۵۶).
رئالیسم یعنی واقع نمایی و واقع نمایی ادبی به موضوع و شیوه بیان یک اثر ادبی اطلاق می شود (داد، ۱۳۷۸، ۱۵۵). واقع گرایی یا رئالیسم در عرصه هنر و ادب به دو معنای عام و خاص به کار رفته است، به معنای عام کلمه به هر گونه هنر و ادب وفادار به واقعیت، واقع گرایی می گویند واقع گرایی به معنای خاص کلمه، مکتبی است که بعد از رمانتیسم در اواسط قرن نوزدهم حدود سال های ۱۸۳۰ در فرانسه به وجود آمد و از آن جا به دیگر کشورها راه یافت (میر صادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷، ۲۸۴).

مفهوم رئالیسم

رئالیسم (= رئالیسم) مشاهده دقیق واقعیت های زندگی، تشخیص درست علل و عوامل آن ها و بیان و تشریح و تجسم آن هاست؛ واقع گرایی؛ حقیقت جویی؛ مکتب اصالت واقع (مشیری، ۱۳۷۸، ۸۷۵).

رئالیسم یا واقع پردازی یا واقع گرایی در حوزه ادبیات - یا به عبارت دقیق تر برداشتی - است که در آن کوشش نویسنده یا گوینده بر آن است تا زندگی را بدون کمال بخشیدن و دادن جنبه شاعرانه ذهنی به آن توصیف کند (شریفی، ۱۳۸۷، ۶۷۱). جوهر رئالیسم عبارتست از تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه، مطالعه و تجسم روابط اجتماعی، روابط میان فرد و جامعه، و ساختمان خود و جامعه (ساجکوف، ۱۳۶۲، ۲۰).
برای جمع بندی مفاهیم متغیر «رئالیسم» ریموند ویلیامز (Raymond Williams) استنباط های مختلف از این اصطلاح را به چهار گروه تقسیم می کند.

۱- رئالیسم به معنای آموزه های فلاسفه رئالیست در تقابل با آموزه های فلاسفه نام گرا.

۲- رئالیسم به منزله اصطلاحی در اشاره به جهان مادی ای که مستقل از ذهن یا روح بشر واجد هستی است (رئالیسم به این مفهوم مترادف «ماتریالیسم» یا اصالت ماده است).

۳- رئالیسم به معنای گرایش به روبه رو شدن با امور آن گونه که واقعاً هستند، نه آن گونه که ما خیال می کنیم هستند یا مایلیم باشند.

۴- رئالیسم به منزله نگرشی در هنر و ادبیات و روشی دقیق برای بازنمایی واقعیت در آثار هنری و ادبی.

معنای شماره ۱ و شماره ۲ را امروز می توان نادیده گرفت زیرا اولی فقط در اشاره به تاریخ فلسفه کهن کاربرد دارد و دومی نیز منسوخ شده است و به جای آن اصطلاح «ماتریالیسم» به کار می رود.

معنای شماره ۳ در گفتار روزمره مردم بسیار کاربرد دارد، مثلاً در این عبارت ها «ارزیابی رئالیستی از موقعیت»، «دورنمایی رئالیستی از آینده» و «توقعات رئالیستی» در این کاربرد، رئالیسم هم به معنای مبتنی کردن ادراک بر شالوده ای از واقعیت (نه خیال) است و هم معنای نگرشی پراگماتیک یا معطوف به عمل و انجام شدنی. در این مفهوم رئالیسم مترادف «خرد گرایی برآمده از محدودیت های عملی» است.

اما آن معنایی از «رئالیسم» که به طور خاص به پژوهش های ادبی مربوط می شود، معنای شماره ۴ است. به طور خلاصه می توان گفت رئالیسم در ادبیات یعنی گرایش به این که همه چیز همان گونه که در واقعیت هستند نشان داده شوند. رئالیسم به منزله شیوه ای از نگارش یعنی اجتناب کردن از رمانتیسیم و خیال پروری و اسطوره (پاینده، ۱۳۹۵، ۲۰ - ۲۱).

نگاهی به پیشینه رئالیسم

«رئالیسم» نخست طرز تفکری بوده است که در حوزه فلسفه به کار رفته است و در طی سده های مختلف، فراز و فرودهای بسیاری را پشت سر گذارده است. در تاریخ نقد جدید آمده است: رئالیسم تعبیر فلسفی دیرپایی است که معنای آن اعتقاد به واقعیت اندیشه ها بود و در

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تیغ» و «گزنه» از جعفر شهری ۱۰۵۱۱۱

برابر مشرب اصالت وجود اسمی (Nominalism) قرار داشت که پیروانش اندیشه ها را جز نام یا امر انتزاعی تلقی نمی کردند (ولک، ۱۳۷۷، ۱/۴، ۱۱). اگر بخواهیم به دوران گذشته باز گردیم، رئالیسم را باید در اندیشه های ارسطو جست و جو کنیم. ارسطو پایه گذار رئالیسم فلسفی، که فلسفه او را رئالیسم کلاسیک نیز نام نهادند: ارسطو به روشنی خاطر نشان کرده است که حقیقت نمایی رابطه میان سخن و مصداق آن (رابطه مبتنی بر صدق) نیست، بلکه رابطه ای است میان سخن و آن چه خوانندگان حقیقت می پندارند. بنابر این در این جا ارتباطی برقرار می شود میان اثر و سخن منتشر که بخشی از آن به آحاد جامعه تعلق دارد، اما هیچ یک از آنان نمی توانند ادعای تملک آن را بکنند. به بیان دیگر این سخن به قلمرو فهم مشترک (Opinion Commune) افراد تعلق دارد (تودوروف، ۱۳۹۲، ۴۰ - ۴۱). از دیدگاه ارسطو، اثر از آن جا که از حقیقت محاکات می کند حقیقت نما است. مراد از حقیقت نمایی این است که وقایع و اعمال باید محتمل الوقوع باشند. این اصطلاح امروزه دوباره مورد توجه قرار گرفته است و آن را تطابق یا ارجاع به فرهنگ متعارف و عمومی دانسته اند (شمیسا، ۱۳۹۴، ۴۹۵).

رئالیسم به عنوان مکتب ادبی، پیش از هر جای دیگر، در فرانسه به میان آمد، اما پایه گذاران مکتب ادبی رئالیسم نویسندگان بزرگی که امروزه ما می شناسیم نبودند، بلکه نویسندگان متوسطی بودند که اکنون چندان شهرتی ندارند. این نویسندگان عبارت بودند از شانفلوری (Champfleury)، مورژ (Murger) و دورانتی (Duranty)، نام رئالیسم و قواعد مکتب آن را نخست «شانفلوری» در نخستین نوشته های خود به تاریخ ۱۸۴۳ به میان آورد. در «مانیفست رئالیسم» چنین نوشت: عنوان «رئالیست» به من نسبت داده می شود، همان طوری که عنوان «رومانتیک» را به شاعران و نویسندگان سال ۱۸۳۰ اطلاق می کنند (سید حسینی، ۱۳۶۶، ۱۴۰).

قابل ذکر است که قصه رئالیستی قرن هیجدهم، در انگلستان به این دلیل پیدا می شود که مخاطب ادبیات در قرن هیجدهم از اشراف به طبقه متوسط عوض می شود و شاید علت این که رئالیسم در انگلستان، صد سال قبل از فرانسه پیدا می شود این باشد که «کرامول» (Cromwell) در انگلستان در حدود صد سال قبل از «روسو» (Rousseau) در فرانسه ظهور می کند و بورژوازی فرانسه در حدود یک قرن بعد از طبقه متوسط انگلستان بر عرصه تاریخ ظاهر می شود (براهنی، ۱۳۹۳، ۳۸۰ - ۳۸۱).

رئالیسم به منزله جنبشی ادبی حدوداً از اوایل قرن نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ شکل غالب نگارش داستان بود؛ با پیدایش مدرنیسم در دهه دوم و سوم قرن بیستم، جنبش رئالیسم رو به افول گذاشت لیکن رئالیسم به منزله سبکی از داستان نویسی استمرار یافته و هنوز هم وجود دارد و در میان نویسندگان و خوانندگان ادبیات داستانی از طرفداران خاص خود برخوردار است (پاینده، ۱۳۹۵، ۲۶ - ۲۷).

ادبیات و دیدگاه نویسنده رئالیست

نویسنده واقع گرا همواره بر آن است تا خواننده احساس کند که امور به واقع چگونه اند، اما فکر می کند که با ساختاری برخاسته از شخصیت و واقعه بهتر می تواند حق مطلب را در مورد چگونگی امور واقع ادا کند تا آن که بخواهد به طور مستقیم از واقعیت نسخه بردارد. حقیقتی که نویسنده واقع گرا ارائه می کند اندکی کلی تر و نوعی تر از امر واقعی است که گزارشگر عرضه می دارد. ممکن است جاندارتر و به یاد ماندنی تر هم باشد (اسکولز، ۱۳۸۷، ۱۱).

رئالیسم سترگ راستین، انسان و جامعه را از دیدگاهی صرفاً انتزاعی و ذهنی به نمایش نمی گذارد بلکه آن ها را در تمامیت پویا و عینی شان به روی صحنه می آورد (لوکاچ، ۱۳۹۲، ۱۲). نویسنده واقع گرا در پی آفریدن تصویری است که به واسطه شباهت زیادش با درک عادی ما از زندگی، مجذوب کننده به نظر می رسد. نویسنده تصویری ظریف و عمیق خلق می کند و با ترفند های روان شناختی مجاب کننده ای انگیزه های گوناگونی را که منشأ حرکات و سکانات

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تپش» و «گزنه» از جعفر شمیری ۱۰۷۱۱۱

شخصیت هاست به خواننده نشان می دهد. این امر با تصویری پذیرفتنی از جامعه ای که شخصیت ها در آن زندگی می کنند ، همراه است (پک، ۱۳۸۷، ۱۰۸).

نویسنده رئالیست زندگی طبقات استثمارگر را همواره توأم با زندگی طبقات استثمار شده در نظر می آورد و هرگز نمی تواند محرومیت های یکی را با اقتدار و تجمل دیگری روبرو نیند (پرهام، ۱۳۹۴، ۴۵).

در قلمرو ادبیات، رئالیسم مکتبی عینی یا بیرونی است و نویسنده رئالیست هنگام آفریدن اثر بیشتر تماشاگر است و افکار و احساسات خود را در جریان داستان ظاهر نمی سازد (سید حسینی، ۱۳۶۶، ۱۵۹).

از جانب دیگر در خور نویسنده رئالیست نیست که پس از نمایش وفادارانه حقایق، برای تلفیق آن ها با عقاید و ارزش های ذهنی خود، به فلسفه بافی بپردازد (پرهام، ۱۳۹۴، ۵۵).

از آن جا که هر نویسنده ای عضو جامعه است ، می توان او را چون موجودی اجتماعی مطالعه کرد، اگر چه در چنین مطالعه ای زندگینامه نویسنده منبع اصلی است؛ به آسانی می توان آن را تا حد بررسی محیطی که او بدان تعلق دارد و در آن زندگی کرده است گسترش داد. می توان اطلاعاتی درباره خاستگاه اجتماعی ، سابقه خانوادگی و وضع اجتماعی نویسندگان گرد آورد، و سهم دقیق اشراف و بورژواها و پرولتاریا را در ادبیات نشان داد (ولک و وارن، ۱۳۷۳ ، ۱۰۱ - ۱۰۲).

هیچ کس عمیق تر از بالزاک مصائب مرحله انتقال به نظام تولید سرمایه داری را ، که قشری از مردم را زجر می داد و تنزل عمیق اخلاقی و روحی ناشی از آن را (که ضرورتاً این دوران گذرا در همه سطوح اجتماعی به همراه دارد) نیازموده است (لوکاچ، ۱۳۹۵، ۱۵).

لوکاچ معتقد بود که رمان ، یعنی شکل ادبی بورژوایی ، در اوایل قرن نوزدهم ، توانسته بود تا حدی هماهنگی و جنبه محسوس و ملموس حماسه کلاسیک یونانی را به عرصه ادبیات برگرداند. به عنوان مثال او بر این عقیده بود که رمان ها «بازتاب» متمرکز و همه جانبه ای از

بورژوازی رشد یابنده و حسی از کنش متقابل فرد در برابر ساختار کلی اجتماع را ارائه می دادند. لوکاچ رمان بورژوایی را به مثابه شکل مطلوب برای بیان «واقع گرایانه» تحول اجتماعی در نظر می گرفت (سلدن، ۱۳۷۵، ۲۹۷).

موضوع آثار رئالیستی

با پیدایش رئالیسم در سده نوزدهم، مطالعه زندگی و روابط پیچیده افراد در جامعه، موضوع ادبیات داستانی قرار گرفت. نویسندگان با تحلیل و بررسی روند تکامل و واقعیت های متغیر روابط اجتماعی، تصویر معتبری از زندگی فردی و اجتماعی جامعه معاصر خود ارائه دادند. بنا بر مبادی فکری در این مکتب، نویسنده با بی طرفی، موضوعی را از زندگی واقعی مردم و اشخاصی از بین پیشه وران، کارگران، و مردم ستم دیده پیرامونش بر می گزیند و داستان آن ها را عیناً بازگو می کند (داد، ۱۳۷۸، ۱۵۵).

رئالیسم بعضاً نوعی شورش علیه جهان بینی بورژوایی تلقی می شد زیرا رئالیست ها همچنان موضوعات عادی ای را برای آثار خود بر می گزیدند که هنرمندان بورژوا ترجیح می دادند مسکوت بگذارند. بدین ترتیب، «رئالیسم» نشانه جنبش های ترقی خواهانه و انقلابی شد (لاچ و دیگران، ۱۳۷۴، ۹۱).

رئالیسم عمدتاً با امور متعارف زندگی روز مره در میان طبقات پایین اجتماع سر و کار دارد و در آن شخصیت و خلق و خو محصول عوامل اجتماعی و محیط، عنصر تعیین کننده ای در پیش آمدن حوادث است (شریفی، ۱۳۸۷، ۶۷۱). به ویژه فقر و کار پرمشقت، دو موضوع مورد علاقه نقاشان رئالیست بود (پاینده، ۱۳۹۵، ۲۳). به طور مثال: سهم گورکی در ادبیات روسی این است که او به کشف دنیای تازه ای در عالم مردم فرودست و مطرودشدگان اجتماعی [خانه به دوشان و کارگران، دزدان و ولگردان، فاحشه ها و پا اندازها، میخوارگان و معتادان] دست یافت. پیام ضمنی گورکی در این باره آشکار است، آوارگان و ولگردان بی سروپا با چنان

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از معترض شیری ۱۰۹۱۱۱

روح زیبایی که دارند، نباید از یاد بشریت فراموش شوند. چه، این خانه به دوشان قربانیان نظام اجتماعی ستمگرند (تراویک، ۱۳۷۶، ۷۶۳).

رمان رئالیستی و جایگاه آن در ایران

از بین رفتن حکومت قاجار و سلطه رضاخان و آزادی موقت مردم در دوره پهلوی تا پایان دوره مصدق (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) باعث ایجاد رئالیسم ادبی شد. پس رویارویی با اروپا اصلی ترین مسأله فرهنگی در دوره مشروطه است. برخورد جامعه سنتی ایران با تمدن اروپا، سبب بیداری فکری روشنفکران و اتخاذ نگرشی تازه به سیاست و فرهنگ می شود (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ۱۸).

رمان با زبانی شیرین و شیوه ای شیوا، جذاب و لذت بخش به ما معلومات لازم و سودمند زیادی می آموزد و از آن گذشته طبقات یک ملتی را که به حکم اختلاف شغل و کار و مقام و ثروت و عدم معاشرت با یکدیگر از چگونگی احوال و خیالات و حتی از رسوم و عادات و زبان و لهجه و جزئیات نشست و برخاست همدیگر بی خبرند به هم نزدیک و خبردار می سازد. پس می توان گفت که رمان و داستان بهترین آینه است برای نمایاندن احوال اخلاقی و روحیات و سجایا و عادات و رسوم مخصوص هر قوم و ملتی (جمالزاده، ۱۳۷۸، ۵۴۶ - ۵۴۷). اجزاء یک رمان خوب، باید با هم ارتباط منطقی داشته باشند و خواننده را متقاعد کنند. رمان باید اول، وسط و پایان داشته باشد. پایان داستان، باید نتیجه طبیعی آغاز آن باشد. پیش آمدها، باید محتمل الوقوع باشند و نه تنها باید «موضوع» رمان را پروراندند، بلکه باید از خود داستان برویند و بیرون بیایند (موام، ۱۳۵۶، ۱۰).

بدین ترتیب «رئالیسم» ساختمان رمان یا داستان کوتاه را بر قوانین طبیعت و اجتماع پایه می گذارد. پدیده های روحی را در پرتو علّیت اجتماعی بررسی می کند تا ریشه سرنوشت آدمی را در شرایط محیطی و خصوصیات فردی بجوید (ثروت، ۱۳۸۵، ۱۱۷). رمان رئالیستی قاعدتاً به جامعه ای مطابق واقع نیاز دارد؛ یعنی جامعه ای که آحاد آن نه صرفاً از طریق یک رابطه

(مثلاً رابطه شغلی، دوستانه یا خانوادگی) بلکه از طریق چندین رابطه به هم پیوسته با یکدیگر پیوند دارند (لاج و دیگران، ۱۳۷۴، ۱۰۹).

به گفته گلشیری در داستان معاصر ایران صرف نظر از داستان کوتاه، ما یک رمان رئالیستی به معنای دقیق کلمه نداریم. در همه اسلوب های ادبی بیش و کم می توان آثاری را نشان داد که مثلاً این اثر به شیوه جریان سیال ذهن نوشته شده و آن یکی اثری سمبلیک است، حتی در این سال ها ده ها اثر می توان نشان داد که بر گرتۀ رئالیسم جادویی نوشته شده اند ولی حتی یک اثر نمی توان نام برد که رئالیستی باشد. به زبان دیگر وقتی سووشون رمانی است رمزی - سیاسی و بوف کور را می توان رمزی - اسطوره ای خواند و بسیاری آثار به ظاهر رئالیستی در حقیقت زیر عنوان رئالیسم سوسیالیستی جای دارند (گلشیری، ۱۳۷۸، ۴۸۹ - ۴۹۰).

به هر حال مکتب واقع گرایی در ایران صد درصد خالص نیست؛ چون در اثر آشنایی با رئالیسم اروپایی به وجود آمد. از ویژگی های مهم رئالیسم ایرانی توجه به **زبان محاوره و ادبیات محلی و بومی و صنفی، ادبیات کارگری** حتی در عرصه شعر و بیان عدالت خواهی و ظلم ستیزی و تقلید از غرب در جنب انقلاب مشروطیت است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ۳۲۷).

فرازی از زندگی جعفر شهری و معرفی دو کتاب «شکر تلخ» و «گزنه»

جعفر شهری باف در سال ۱۲۹۳ - در آستانه جنگ جهانی اول - در عودلاجان تهران به دنیا آمد و در ۶ آذر ۱۳۷۸ درگذشت. وی از نویسندگان ایرانی و پژوهندگان تاریخ تهران بود. سه رمان از رمان های او، یعنی **شکر تلخ، گزنه و قلم سرنوشت** را باید سه گانه ای دانست که اولی مربوط به دوران کودکی نویسنده و رنج های مادر وی، دومی شرح دوران نوجوانی، و سومی مربوط به دوران میان سالی اوست. شهری تنها سه سال، آن هم نصف و نیمه به مدرسه رفت و آنچه را که آموخت و نوشت به قول خودش در "دانشگاه اجتماع" بود (حدادی، ۱۳۷۸، ۳۲).

مطالعه رمانیستی زبان های «شکر تلخ» و «گزنه» از جعفر شهری ۱۱۱۱۱۱

نخستین اثرش، سفرنامه دو جلدی حاجی در فرنگ است. شرح سفر به مکه مکرمه و سپس اروپا، سراپا مذاقه، تیزی، عیب جویی و سرانجام طنز و بعضاً هزل. او بعدها تحفه، هدیه کاشف، کتاب علی (ع)، انسیه خانم، شکر تلخ، گزنه، حاجی دوباره و... را نوشت. آثار تحقیقی وی عبارتست از: تهران قدیم و تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم. بهترین کار تحقیقی وی، تهران قدیم (۱۳۵۷) در پنج جلد است که آن را به تشویق برادر ناتنی اش مرحوم دکتر مهدی بهره مند نوشت و به نوعی دانشنامه فرهنگ و زبان عامیانه مردم تهران به شمار می آید. تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم (۱۳۶۹) در شش جلد منتشر شده است و شامل اطلاعات اجتماعی، تاریخی و فولکلوریک است (دهباشی، ۱۳۷۸، ۳۳۱).

داستان «شکر تلخ» از پائیز ۱۲۹۶ ه. ش. شروع می شود و تا ۱۳۰۴ ه. ش. ادامه می یابد. داستان در محله عودلاجان تهران می گذرد و وقایع خانوادگی و عشقی را با شرح محرومیت های توده و بی عدالتی های اجتماعی و فساد اداری در می آمیزد. البته شهری توجهی به صناعت رمان نویسی جدید ندارد، اما بر زبان و موضوع مورد مطالعه خود احاطه دارد. به همین سبب موفق می شود سندی تاریخی درباره باورها و آداب و رسوم زنان ایرانی پدید آورد (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ۶۲۵). این کتاب، فرهنگی از شیوه زندگی، آداب و رسوم و زبان عامیانه است. خواننده با مکان ها، طبقات اجتماعی، شیوه ها و وسائل سفر بایبگری، خوراک و پوشاک، قیمت ارزاق، جشن ها، بازی ها، درمان های خانگی، حرفه ها، مکتب خانه ها، زندان ها، میخانه ها، فاحشه خانه ها، آداب زایمان و حمام رفتن زنان، جادو و جنبل ها، فالگیرها و رمال ها و ... آشنا می شود (همان، ۶۲۵ - ۶۲۶).

«گزنه» نیز یک داستان بلند شرح احوالی و به نوعی ادامه شکر تلخ است. پسرک به چگونگی شکل گیری شخصیت خود در کنار پدر زنباره و قسی القلب و زن پدر بهانه جو می پردازد. زندگی در فقر ممتد و آفت های ناشی از آن به سختی می گذرد. بارها شغل عوض می کند و هر بار خواننده با فرهنگ آن شغل خاص و نهایتاً با آداب و اطوار طبقات اجتماعی مختلف

آشنا می شود. شهری با شرح دقیقش از ابزار کار، روابط صنفی، واژه ها و آداب هر صنف و حقه هایی که استادکاران سودجو می زنند، خود را نویسنده ای آشنا با لایه های پنهان جامعه ای می نمایاند که بر دروغ و تقیه استوار است. پسرک که برای شناخت دروغ ها و نیرنگ ها کنجکاو نشان داده، کتک خورده و رانده شده است. او تجربیات گوناگونی را پشت سر می گذارد، از بحران ها می گذرد و به نقش خود در این زندگی تیره آگاهی می یابد. در طی گذرانی مشقت بار، که همه چون گزنه او را می سوزانند، نخستین عشق پرتوی سحرآمیز دارد. از مادر - زن بی حقوق و بزرگوار ایرانی - نیز با همدلی و عاطفه یاد می شود (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ۶۲۷). شهری ضمن شرح رشد جسمی و ذهنی پسرک، سفری دارد تا در جامعه سنتی از ورای داستانی سرگرم کننده گنداب درون آن را به رخ بکشد و اثری خواندنی در زمینه روانشناسی اجتماعی پدید آورد. مرحله عبور پسرک - انسان ایرانی - از سنت به تجدد [داستان با روی کار آمدن سلسله پهلوی تمام می شود] مرحله ای تراژیک است، وقتی پسرک به اراک باز می گردد، معشوقه دوران کودکی را در بستر مرگ می یابد، مرحله ورود او به بزرگسالی، به عصر جدید، یک حادثه دردناک است (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ۶۲۷ - ۶۲۸). شهری در داستان های بلندش، خاطره گویی را با اندرزهای اخلاقی و شرح آداب و رسوم می آمیزد و برای هر حادثه، قصه و متلی از فولکلور تهران قدیم می گوید، و متنی پرگو اما شیرین و سرگرم کننده پدید می آورد (میرعابدینی، ۱۳۸۰، ۶۲۷).

مؤلفه های رئالیستی و تطبیق آن با رمان «شکر تلخ» و «گزنه»

۱- درونمایه

رمان «شکر تلخ» با درونمایه ای اجتماعی ضمن توصیف فضای ایران و مسائل اجتماعی سال های قحطی (۱۲۹۸-۱۲۹۶) رنج های مردم آن دوران را شرح می دهد و بیشتر به توصیف رنج های زن ایرانی در قالب زبانی خاص می پردازد و فضای حاکم بر آن دوره (قحطی و خشکسالی) را تشریح می کند.

مطالعه رنالیستی رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از جعفر شهری ۱۱۳۱۱۱

وقایع داستان مربوط به سال های ۱۲۹۶ هـ. ش تا ۱۳۰۴ است و یک بازه نسبتاً طولانی را در بر می گیرد. سال هایی که ایران دستخوش حوادث گوناگون اعم از قحطی، مسمشه، فتنه بایی ها و ... است. نیمی از روایت رمان در تهران و مابقی در مشهد اتفاق می افتد. تلخی درونمایه داستان سبب شده است تا نویسنده برای جذاب کردن اثر خود از زبان طنز بهره بگیرد و به نوعی مصائب حاکم بر جامعه را از طریق نوعی تمسخر بیان کند و مسائل آن را عرضه کند. علت نام گذاری داستان با عنوان «شکر تلخ» نیز زبان طنز آمیز رمان و تلخی وقایع داستان است.

جعفر شهری نویسنده کتاب «شکر تلخ» جایگاه متزلزل زن ایرانی را در مقابل تفکر جامعه مرد سالار به خوبی مطرح می کند. وی دیدگاه خود را از ظاهر آراسته جامعه خود به سوی اندرون پوسیده و نابه هنجار آن نفوذ و رخنه می دهد و با زبان طنز و کم کردن تلخی درونمایه سعی می کند خواننده ضمن آنکه با ملاحظت زبان، سیر رمان را دنبال می کند با اطلاعات جامعی از فرهنگ عامیانه، کنایه ها و باورهای خرافی مواجه شود.

«گزنه» با درونمایه اجتماعی به وصف مسائل اجتماعی مردم ایران در حدود صد سال پیش می پردازد. این داستان به موضوعاتی چون فقر و تنگدستی، فقر فرهنگی و اعتقادی، رنج های حاصل از کارهای دشوار مردم، رنج های زن ایرانی، جامعه مرد سالار و کودک آزاری (سوء استفاده از کودکان به هر نحوی و اجبار آن ها به کارهای مختلف برای رسیدن به مقاصدشان) می پردازد.

جعفر شهری به عنوان راوی سرگذشت خود را در دوره نوجوانی اش شرح می دهد. او جایگاه کودک را از نظر اجتماعی و عاطفی و حقوقی در جامعه آن روز به خوبی روشن می کند. همچنین جایگاه زن ایرانی را در مقابل تفکر جامعه مردسالار به روشنی بیان می کند. «گزنه» روایت نوجوانانی است که قربانی مقاصد اقتصادی خانواده شده اند و از تحصیل و رشد و ترقی بازمانده اند، تا چشم باز کرده اند برای کسب درآمدی بخور و نمیر روز را به شب

رسانیده، گاهی شب‌ها نیز کار کرده‌اند و با تمریدی از فرمان پدر یا صاحب‌کار به تنبیهات سختی محکوم شده‌اند. محور کتاب زندگی قهرمانانه نوجوانی است که در مشاغل مختلفی مشغول به کار بوده؛ لیکن با تربیتی که در کودکی از مادرش یافته، خود را به مسائلی که دور از شأن انسانی با عزت نفس است، آلوده نساخته و همواره با نگاهی تیزبین و دقیق به مسائل روز می‌نگریسته است.

از آن‌جا که «گزنه» نام گیاهی است که با لمس آن پوست دچار سوزش می‌شود؛ زندگی راوی نیز پراز فراز و نشیب‌های زیادی است که همواره با تلخی و گزندگی همراه بوده و رنج و مشقت‌هایی که در طول داستان به توصیف آن پرداخته، دلیلی برای انتخاب این نام برای داستانش است.

۲- زاویه دید

در داستان‌های رئالیستی اصل بر گزارشگری است در صورتی که راوی در رمان «شکر تلخ» دانای کل و سوم شخص عینی است. مشابه این روایت در داستان‌های ایرانی و همچنین چند اثر معروف رئالیستی جهان دیده شده است. دیدگاه دانای کل و همچنین شکل‌های تعدیل شده‌ای از روایتگری سوم شخص دانای کل در داستان‌های رئالیستی نویسندگان ایرانی به کرات به کار گرفته شده‌اند. یکی از این شکل‌های تعدیل شده، عبارت است از کاربرد نظرگاه دانای کل برای توصیف و نه ارزیابی و داوری. در شکل تعدیل شده دیگری از زاویه دید سوم شخص دانای کل، دانایی راوی، محدود به ذهن شخصیت اصلی است و صرفاً افکار او را به خواننده باز می‌گوید، یا گاه به رویدادهای قبلی داستان (رویدادهای رخ داده پیش از آغاز داستان) اشاره می‌کند (پاینده، ۱۳۹۵، ۳۷ - ۳۸).

همان‌طور که ذکر شد راوی «شکر تلخ» را به شیوه سوم شخص عینی و دانای کل روایت کرده است؛ البته این دانایی از جانب راوی، فقط محدود به ذهن و حالات و روحيات شخصیت‌های اصلی داستان چون کبری و میرزا باقر می‌باشد و افکارشان را شرح می‌دهد.

شیوه روایت سوم شخص عینی:

- از حیاط به اتاق برگشته حوله را از میخ برداشته مشغول خشک کردن دست و صورت خود که از شتاب هنوز مقداری کف صابون بر دو طرف گردن و لاله های گوشش به جا مانده بود گردیده... (شهری، ۱۳۴۷، ۳۷).

- در این موقع به بازارچه مروی که تقریباً سیصد قدم از مسجد دور بود رسیدند و در اینجا باز عده ای را دیدند که بر در دکان بسته ای که از دریچه کوچکی که بر آن تعبیه کرده بودند فقط مختصری از داخل آن به نظر می آمد چشم دوخته ... (همان، ۲۱).

راوی (دانای کل) به افکار میرزا باقر رسوخ کرده و تخیلات او را جزء به جزء تصویر می کند:

- از زبان راوی: ... نه هرگز من به چنین کاری نباید تن بدم و وسوسه این زنو باید از دلم بیرون کنم و آگه هر کاری کرده ام این یه کارو نباید بکنم! (همان، ۲۷).

زاویه دید در داستان "گزنه"، اول شخص ناظر است و داستان از زبان "جعفر" روایت می شود. راوی به صورت مشاهده گر عینی روایت خود را آغاز می کند و آن واقعیتی را که دیده بیان می کند. این شیوه روایت کاملاً رئالیستی است.

- من تا آن شب سنتور ندیده بودم و صدای نوای آن به گوشم نرسیده بود. مرد سنتور زن نامش رحمتعلی بود و چیزی مثلثی شکل جلوش گذاشته بود... (شهری، ۱۳۷۲، ۲۷۸).

۳- مکان

توصیف مکان در داستان های رئالیستی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. «دوربین عکاسی دقیقاً همان هدفی را برآورده می کند که نهایت آمال رئالیست ها در هنر و ادبیات است: توصیف یک مکان یا ثبت یک رویداد در زمان و مکانی خاص با وفا داری اکید به جزئیات عینی.» (پاینده، ۱۳۹۵، ۳۲). نویسنده «شکر تلخ» با توصیف جزء به جزء مکان همچون دوربین

عکاسی فضاهای داستان را ثبت می کند، به گونه ای که این فضاها در ذهن مجسم می شود. توصیف مکان در این داستان واقع نمایانه و باور پذیر است.

- این خانه مشتمل بر بیرونی و اصطبل برای نگاهداری مرکوب ها و چهارپایان مهمان ها بود، اندرون وسیعی دارای اشجار فراوان بید مجنون های پر شاخه برگ و انار و سیب و مو درهم به اضافه شمشادهای سربریده منظمی در اطراف باغچه ها که در پناه هر ردیف آن ها قالیچه ای برای پذیرایی دسته ای از مهمان ها گسترده شده... (شهری، ۱۳۴۷، ۱۷۴).

نویسنده در داستان «گزنه» با شرح و توصیف دقیق مکان ها به طور جزئی توانسته مکان ها را در ذهن مخاطب مجسم کند و فضاهای باور پذیر و واقعی ترسیم نماید:

- از دلانی که زمینش خاکی و پر از آشغال و پهن و کثافت بود و دیوارهای خستی داشت گذشته به حیاطی که باغچه بی سبزه و درخت داشت و مملو از زباله بود رسیدیم... از سمت چپ پله ای را بالا رفته به ایوان و پشت در پوشیده ای رسیدیم که اتاقشان بود. به عادت همیشه اش ابتدا گوش به در گذاشته اندکی به استراق سمع پرداخت و سپس گیوه هایش را در آورده کنار گذاشت (شهری، ۱۳۷۲، ۲۱۶).

۴- زمان

«زمان» عنصری است که در همه رویدادهای داستان محقق می شود، نه در یک رویداد خاص. در خصوص کارکرد عنصر زمان در داستان های رئالیستی به طور عام به دو موضوع باید اشاره کرد: ۱. برجسته شدن زمان ۲. تقویمی یا «خطی» بودن زمان (پاینده، ۱۳۹۵، ۶۰-۶۷). گذشت زمان در داستان کوتاه رئالیستی، بر اساس ساختاری خطی، همواره به جلو است. گاه ممکن است راوی با استفاده از تکنیک موسوم به «بازگشت ناگهانی به گذشته» (flashback) به حادثه ای پیش از شروع داستان باز گردد و برای روشن شدن زمینه رویداد فعلی در داستان، رخدادی از گذشته را برای خواننده تعریف کند. گاه نیز راوی سوم شخص

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از جعفر شهری ۱۱۷۱۱۱

دانا، با نفوذ به ذهن شخصیت اصلی بخشی از خاطرات او را که شامل رویدادهای گذشته می شود مرور می کند (همان، ۶۷).

«شکر تلخ» داستان رئالیستی زمانمندی است که در آن سیر زمانی، خطی و تقویمی است و این مسئله در تغییر و تحولات و وقایعی که در روند داستان اتفاق می افتد، مشهود است.

نویسنده در داستان «شکر تلخ» با بیان تاریخ دقیق، روزها، ماه ها و سال ها داستان خود را به دقت زمانمند کرده است. داستان «شکر تلخ» با ذکر تاریخ و زمان آغاز می شود:

- ماه اول پاییز سال ۱۳۳۶ قمری و گرمای هوا هنوز بی اندازه است (شهری، ۱۳۴۷، ۱۷).

- در این سال که سال ۱۹۱۹ مسیحی نیز می باشد جنگ اول جهانی عملاً به پایان رسیده... (همان، ۲۳۳).

نویسنده در "شکر تلخ" تکنیک «بازگشت ناگهانی به گذشته» را نیز به کار برده است.

- نزدیک شش سال پیش مسافرینی همراه کاروانی از تهران به قصد زیارت، راه معصومه قم را در پیش گرفته بودند که متشکل بودند از مرد جوان بیست و چند ساله و عروس هفت ماهه حامله وی و مادر زن و خواهر و یک نفر خدمتکار پیر که دایه زن حامله به حساب می آمد... (همان، ۲۱۴).

رمان "گزنه" داستان رئالیستی زمانمندی است که نویسنده در آن با برجسته کردن زمان می کوشد تا حوادث و اتفاقاتی که برای شخصیت های داستان در برهه خاصی از زندگی شان رخ می دهد را به نمایش بگذارد. سیر زمانی در داستان «گزنه» خطی و تقویمی است و زمان در این داستان جزء به جزء بیان شده است. نویسنده به طور دقیق با بیان سال ها فصل ها، ماه ها، روزها و ساعات روز (صبح، ظهر، غروب و...) داستان را زمانمند کرده است.

- شب فرا می رسد و هنوز نتوانسته بودم کاری از پیش ببرم. با همه هوشیاری و قدرت، درک این هنر را نتوانستم نمایم.... از ضربات سیلی دو سال پیشش هنوز از گوش چپم چرک آبه بیرون می آمد (شهری، ۱۳۷۲، ۷۶).

۵- توصیف

در رمان «شکر تلخ» توصیف‌ها دقیق، جزء به جزء و کاملاً رئالیستی است به طوری که حواس بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه خواننده را فعال می‌کند و چنین توصیفاتی خواننده را متقاعد می‌کند که داستان واقعی است (هر چند ظاهراً از تخیل نویسنده نشأت گرفته است).

توصیف از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده متن «شکر تلخ» است. شخصیت‌پردازی‌ها در دامن وصف بالیده‌اند و فضاها، مشاغل و اماکن در قالب تصویر جزئی و دقیق نویسنده نمود یافته‌اند. وقتی که ذکر مشاغل پیش می‌آید، ضمن آنکه اطلاعات زیادی را به خواننده منتقل می‌کند، توصیفی بسیار جزئی و دقیق از پیشینه آن شغل ارائه می‌دهد. نمونه‌ای از توصیف:

- پسر بچه صاحب چهره‌ای سفید و روشن با چشمانی درشت هوشیار و موهای طلایی بود که کفش ورنی براقی به پا و کت و شلوار سرمه‌ای رنگی که سر و دست و دور یقه آن را به شکل زیبایی براق دوزی کرده بودند به تن و کلاه نقابداری که شبیه آن را مگر وزیرزادگان بر سر می‌گذاشتند از محمل قرمز آتشی بر سر و کراواتی بچه‌گانه همرنگ کلاه به گردن داشت (شهری، ۱۳۴۷، ۲۰).

در داستان «گزنه» توصیف‌ها جزء به جزء و کاملاً رئالیستی است. زمان، مکان و شخصیت‌ها و حتی احساسات فرد و شرایط هر واقعه بسیار دقیق توصیف شده است. به طوری که خواننده به راحتی خود را در آن شرایط مجسم می‌کند و باور پذیری داستان را میسر می‌نماید.

- رنگ پوستش سفید بود. چشمانش میشی‌گرد، صورتش مدور کمی پف‌آلود به قیافه بعضی دختران روستایی با کمی سرخی گونه‌ها، موهایش بلند کم‌رنگ تا نزدیک کمر، ابروانش مایل به زرد، نیمه‌فربه و... (همان، ۲۸).

- زنی مسن، نیرومند با ابروهای کم‌رنگ با چشمانی روشن بود که یل و شلیته‌ی گشاد بددوخت به تن کرده رشته‌های نازک بافته‌گیسوانش از پشتش آویخته بود. در سخن گفتن چروک‌هایی از جهت طول صورت به پشت لب بالایش می‌نشست (شهری، ۱۳۷۲، ۲۱۸).

- خانم سلطان به پا هایم آویخت! دست هایش می لرزید و عضلات لب هایش که بغض گلویش را می فشرد به هم می جنید. اشک در چشمانش خشک شده و قدرت تکلم از او سلب گشته بود. تنها توانست یک دو تومانی در دستم بگذارد (همان، ۳۱۷).

۶- زبان محاوره و اصطلاحات عامیانه

اولین و ظاهراً بدیهی ترین اصل در داستان، تبعیت زبان داستان از همان زبانی است که شخصیت های داستان در واقعیت به کار می برند، چه در وصف مکان یا شخصیت، و چه در نقل گفتگوی آن ها (گلشیری، ۱۳۷۸، ۴۸۷). ویژگی های نثر رئالیستی عبارتند از: ۱. شفافیت روایی در برابر فصاحت بلاغی ۲. کارکرد ارجاعی در برابر کارکرد مجازی ۳. زبان متعین در برابر زبان انتزاعی ۴. زبان محاوره ای در برابر زبان رسمی (پاینده، ۱۳۹۵، ۷۰ تا ۸۵). رمان شکر تلخ نوعی دانشنامه فرهنگ و زبان عامیانه مردم تهران در آغاز سده بیست است (میلانی، ۱۳۷۰، ۴۴۴).

زبان غالب در این رمان زبان ساده و روز مره مردم عادیست. نویسنده در داستان «شکر تلخ» با زبان متداول زمان خود به روایت پرداخته است. شهری پیش از آنکه راوی باشد نقال است و زبانش سخت سنتی است. همین مسئله باعث شده اطناب زیادی در سراسر رمان ایجاد شود. گاهی نویسنده برای هر مسئله کوچکی تمثیلی از گذشته های دور می آورد و تا چندین صفحه بسط می دهد. داستان "حسن کچل" (شکر تلخ، ۳۱۶) که از زبان کبری برای جواد نقل می شود و یا زیارت کردن قدمگاه و صحبت های ما بین کبری و میرزا باقر، از این دست می باشد. یکی از توفیق های شهری در این اثر تمایزی است که او در لحن شخصیت ها ایجاد کرده است. وقتی راوی، پدر کبری و یا پدر عزت سخن می گویند، زبان رمان اوج می گیرد. گویی نویسنده از این طریق جایگاه این شخصیت ها را از حیث برتری اندیشه و پایگاه اجتماعی در نظر داشته است. بالعکس لحن شخصیتی مثل میرزا باقر و کبری یک لحن کاملاً عوامانه و کوچه بازاری است و بعضاً تلفظ نادرست واژه ها را نیز به دنبال دارد. نکته جالب توجه

شکستگی واژه‌ها و زبان محاوره خاص شخصیت‌های معمولی رمان است، حال آنکه شخصیت‌های دسته اول که به آنها اشاره شد، به زبان معیار سخن می‌گویند. در آمیختگی این دو گونه لحن، ضمن آنکه تسلط شهری را به زبان نشان می‌دهد؛ بر صمیمیت و ارتباط خواننده و نویسنده می‌افزاید.

پدر کبری (حاجی الله یار) خطاب به دخترش کبری: اولاً دخترم! از این که من نیز به خاطر تو مبلغی از کف داده، به اصطلاح کمکی به داماد خود نموده باشم امتناعی نخواهم نمود و هرگز به خاطر وجهی ناقابل کدورت خیالی برای تو فراهم نمی‌نمایم (شهری، ۱۳۴۷، ۱۹۱).
از زبان میرزا باقر: می‌گم می‌خوام بیرم بگو خب، می‌خوام برفوشم بگو خب، تو خودت می‌دونی من یه دنده گیم مٹ قاطر می‌مونه و هر چه بگم و بخوام باید همون بشه چرا انقده زق زیادی می‌زنی! (همان، ۲۹۸).

رمان «گزنه» دارای نثری ساده و روان است و زبان و اصطلاحات و کلمات به کار رفته در آن با عصر و دوره قید شده در داستان هماهنگ است. به عنوان مثال استفاده از واژه‌هایی چون ساجل احوال، آژان، امنیه، مفتش تأمیناتی، استنطاق، بلدی، حصار، قلعه، واحدهای پول: قران، شاهی، دینار، القاب و عناوینی چون، میرزا، مشهدی، شاه و غلام برای نام آقایان؛ سلطان و ملوک و زمان برای نام خانم‌ها و... یادآور زبان و ادبیات دوره خاصی است. در داستان استفاده از ضرب‌المثل‌ها و زبان محاوره و اصطلاحات عامیانه و اصطلاحات مشاغل مختلف در گفتگوی شخصیت‌ها به روشنی دیده می‌شود و بیانگر سطح سواد و جایگاه اجتماعی اشخاص است و واقعی بودن و باورپذیری داستان را دوچندان می‌کند. شهری در «گزنه» از صورت شکسته کلمات استفاده نکرده است.

-گفت اصلمندزاده اگر از اسب بیفتد از نسل نمی‌افتد و بی‌اصل و نسب اگر سوار اسب عربی شود لقی لقمی خورد و بی‌اصل و نسبیش معلوم می‌شود. زنک حرف‌های بی‌سر و ته زد و حقوقم را خواست ماست مالی نماید. مادرم گفت پولت می‌کنم... (شهری، ۱۳۷۲، ۱۸۸).

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از معترض شهری ۱۳۱۱۱۱

- یک چشمی ای بودم که در شهر کورها وارد شده بودم، کک و مکی ای که در جماعت آبله روها شاه پریان به نظر می آمدم (همان، ۲۱۹).

۷- شخصیت و شخصیت پردازی

در داستان واقع گرایانه، شامل اغلب رمان ها و داستان های کوتاه، نویسندگان کوشیده اند تا شخصیت هاشان هر چه بیشتر شبیه آدم های واقعی باشند. مقصود این است که این نویسندگان کوشیده اند به گرد این شخصیت ها جزئیاتی را بنشانند که از زندگی دوره خود برگرفته اند، و کوشیده اند تا رخداد های روایتشان محدود به چیزهایی باشد که در زندگی روزمره محتمل است (اسکولز، ۱۳۸۷، ۱۹-۲۰). شخصیت در این سبک، زاینده و محصول شرایط عینی معینی است. انسان در آثار رئالیستی، موجودی کاملاً اجتماعی است. بیش از هر چیز خاستگاه اجتماعی کاراکترها، راهنمای نویسندگان در خلق ویژگی های آنها است (دقیقیان، ۱۳۷۱، ۲۷). نحوه تعامل شخصیت ها با یکدیگر در داستان های رئالیستی، خواننده را به یاد انسان های واقعی در موقعیت های مشابه واقعی می اندازد (پاینده، ۱۳۹۵، ۵۱).

شخصیت های اصلی «شکر تلخ» میرزا باقر و کبری هستند. میرزا مردی شهوت پرست است که برای رسیدن به خواسته های نفسانی از هیچ گونه عملی فرو گذار نیست. میرزادر هیچ کاری اعتدال و میانه روی نداشته و دایم در افراط و تفریط است.

- میرزا باقر با شقاوت هر چه تمامتر به سر منقل آتش قلیان رفته، گل آتش سرخی آورده به کف دست کبری گذاشت و مشت او را به هم آورده با قوت هر چه تمامتر فشرد تا از حال نرفته به زمین نیفتد رهایش نمود (شهری، ۱۳۴۷، ۱۵۴).

در مقابل میرزا باقر، کبری همسر فداکارش قرار دارد. وی مظهر صداقت و پاکدامنی و حیا و عفت است. علی رغم بی سوادیش زنی روشنفکر است که می کوشد جواد را به هر قیمتی که شده به مدرسه بفرستد و در این زمینه مشقات زیادی را متحمل می شود. او در بدترین شرایط با فضای حاکم مبارزه می کند و حتی خلقت را به چون و چرا می کشد. عملکرد کبری در کل

رمان او را به عنوان نماد زن سنتی ایران که به سمت تجدد در تکاپوست، معرفی می کند و به این ترتیب از دیگر شخصیت های زن داستان متمایز می گردد. از آنجایی که این رمان روایت مصائب زنان ایران است، شخصیت های فرعی زیادی را در ارتباط با کبری مطرح می کند که هر یک از این افراد با کنش های خود بخشی از رذایل و پلشتی زمان موصوف را به تصویر می کشند. در این میان نقش زنان به مراتب پررنگ تر از مردان است. گویی شهری همراه و همدرد زن ایرانی رنج و درد را تا اعماق جان احساس کرده و از آن به عنوان ابزاری برای القای درونمایه و نمایاندن ابعاد شخصیت های اصلی رمان استفاده کرده است.

به طور مثال شخصیت خدیجه _مادر کبری_ که زنی سنتی است، با این که قلباً از شکوه های کبری از زندگی زناشویی متأثر است و از ناراحتی گویی به زیر آوار مانده است، لیکن می کوشد تا به عنوان فردی ناصح و خیرخواه او را به ادامه زندگی تشویق کند:

- صد دفه مرد قربون صدقه زنش میره بذار یه دفهم دوتا بامبه ش بزنه، خوارشوور و مادرشوورم که معلوم، از اول دنیا برای زن برادر کرم داشته تا آخر دنیا باید داشته باشه..... با قوم شوور نمی شه لجبازی کرد، هزار بلا سر آدم میارن که کمترینش همینه که می بینی، شوورو از آدم برمی گردونن (شهری، ۱۳۴۷، ۱۶۰-۱۶۱).

مهمترین خصوصیت داستان «گزنه» شخصیت پردازی در قالب توصیفی مشروح است. شخصیت های این داستان علاوه بر ویژگی های رفتاری، کلامی و ظاهری که با جایگاه اجتماعی و سطح فرهنگ و سواد آنها مطابقت دارد در نحوه تعامل با یکدیگر نیز برای مخاطب یادآور اشخاص واقعی در جامعه هستند و این داستان را برای مخاطب واقعی و باور پذیر می نمایند.

شخصیت اصلی این داستان «جعفر» است. روایت داستان از زبان اوست. اغلب وقایع داستان تعامل میان جعفر با پدر و سایر شخصیت هاست. جعفر در سراسر داستان به صورت مستقیم یا

مطالعه رمانیستی رمان های «شکر تلخ» و «کزنه» از جعفر شهری ۱۳۳۱

غیرمستقیم از طریق پدر مورد آزار و اذیت قرار می گیرد، به طوری که پدر برای رسیدن به مقاصدش پسر را قربانی تمایلاتش می کند و او را مجبور به انجام مشاغلی می کند که خارج از توان نوجوانی با سن و سال اوست. وقایع داستان حدوداً در ده تا چهارده سالگی جعفر اتفاق افتاده است. وی پسری صادق، مستعد، پرکار و علاقه مند به مطالعه و عاشق شعر و ادب است. نسبت به ائمه و خاندان نبوت ارادتی خاص دارد و همواره نصایح بزرگترها را با گوش جان می شنود.

-استاد زرگر روزی برای آنکه اعتماد زنی را که به حرف و قسم های او اعتنا نداشت جلب کند رو به من کرده گفت: پسر تو بگو، ترا به این حضرت ما در بوته هایمان چه چیز آب می کنیم؟ جواب دادم مس، نقره، همراه طلا! زن گوشواره ها را به زمین گذاشت به راه افتاد. استاد مرا به دکان کشیده سخت به زیر مشتم و لگد گرفته، بیرون انداخت که چرا دروغ گفته ام!! (شهری، ۱۳۷۲، ۴۵).

پدر جعفر مردی هوسران، عیاش و قسی القلب بود که علاوه بر ازدواج های متعدد از هر فرصتی استفاده نموده، سعیش بر آن بود که از زنان بهره مند گردد و این امر از نقاط ضعف او به شمار می رفت و به خاطر آن چند بار تا دم مرگ پیش رفته بود. وی به حلال و حرام و شرع در هیچ زمینه ای اعتقاد نداشت. به هرچه از مال و جسم دست می یافت طیب و حلال می شمرد و چیزی برایش حرام جلوه می نمود که به آن دسترسی نداشت. تنبیهات و کتک های وی در مورد پسرش جعفر بسیار بی رحمانه و خطرناک بود. کتک زدن او دلیل و برهان نمی خواست. کافی بود امری خلاف میلش واقع شده باشد. از پدر بودن و بزرگی فقط تنبیه و تویخ و زجر و شکنجه را می دانست. وی با کوچکترین نافرمانی جیره غذا و خرجی را قطع می نمود. همچنین وی جعفر را به کارهای سخت متعددی وا می داشت تا خرج خود و خانواده را تأمین نماید.

- مادرم همه این پیش بینی ها را کرده بود. گفته بود که او بچه نگهدار و نان بده نمی باشد و بچه هایش را به گدایی وا می دارد... این مطالب اخیر را درست گفته بود! مال خود و دارایی

پدر و مادرش را خرج عیاشی کرده بود. عرق مجلس ده تومان سر سفره اش خالی شده، فاحشه شبی پنجاه تومان روی زانویش نشسته بود، اما نگهداری بچه ها را دروغ گفته بود، هرگز او خرج زن و بچه نداده بود (شهری، ۱۳۷۲، ۴۰).

- زن پدرم گفت کف پایش را قلقلک بدهم. غرض سوئی نداشت و می خواست راه آشتیمان باز شده باشد. سرانگشتی به کف پایش آشنا کرده ملایم آن را به خارش آوردم! ناگهان از جا جسته، خون به چشمانش دویده زیر بغل هایم را گرفته از اتاق بیرون آورده از بالای نرده ایوان به حیاطم افکند!!!... (همان، ۲۵۱).

۸- پیرنگ

پیرنگ هر داستانی دربرگیرنده واقعه خاصی از داستان نیست بلکه شامل همه وقایع آن است. پیرنگ داستان های رئالیستی با سه ویژگی از داستان های غیر رئالیستی متمایز می شود که عبارتند از: ۱- **پیروی اکید از اصل علت و معلول** (در داستان های رئالیستی، هر واقعه ای از واقعه پیشین منتج و خود به واقعه بعدی منجر می شود). ۲- **اجتناب از رویدادهای نا محتمل** ۳- **ساختار سه قسمتی** " آغاز - میانه - فرجام " (پاینده، ۱۳۹۵، ۵۶ تا ۵۹).

پیرنگ در داستان «شکر تلخ» مطابق با ساختار داستان های رئالیستی از اصل علت و معلول پیروی کرده است و ساختار آغاز، میانه و فرجام در آن به خوبی مشهود است. پیرنگ در داستان «شکر تلخ» در برگیرنده همه وقایع است و همه وقایع آن محتمل و غیر قابل انکار و باور پذیر هستند.

در این داستان علت تمامی سرخوردگی ها و ناکامی های کبری، عیاشی های «میرزا باقر» - همسرش - و عدم یک رنگی وی در زندگی اش است که سرانجام منجر به طلاق کبری می شود. میرزا بارها پول و سرمایه خود را در راه خوشگذرانی و قمار و... از دست می دهد. همچنین سرمایه های قرض گرفته از همسر یا پدر وی را نیز به باد فنا می دهد. حتی میرزا در

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از جعفر شهری ۱۲۵۱۱۱

زمان بیماری پدرش - حاجی ابوالقاسم - سرمایه وی را نیز صرف امیال حیوانی خویش می نماید. حوادث در این داستان در پی هم می آیند و از رابطه علت و معلولی تبعیت می کنند. پیرنگ در داستان «گزنه» در برگیرنده همه وقایع است و همه وقایع آن محتمل و غیر قابل انکار و باور پذیر هستند؛ به گونه ای که وقایع از اصل علت و معلول پیروی کرده اند و هر واقعه ای از واقعه پیشین منتج و خود به واقعه بعدی منجر می شود و طبق داستان های رئالیستی هر یک از وقایع برگرفته و ادامه واقعه قبل است و تمامی حوادث واقعی و باور پذیر جلوه می نمایند و دارای ساختار آغاز، میانه و فرجام است.

به طور مثال: با اتفاقاتی که در هر یک از مشاغل جعفر رخ می دهد اخراج شده و یا خودش از آن کار کناره گیری می کند و مشغول شغل دیگری می گردد. همچنین دزدی از دکان خشکه پزی منجر به ضرب و شتم و اخراج او می گردد.

نتایج مقاله

در این مقاله ضمن بررسی دیدگاه ها و نظریه های متعدد راجع به سبک رئالیسم، مؤلفه های آن در کتاب های «شکر تلخ» و «گزنه» از «جعفر شهری» مورد ارزیابی قرار گرفت و نتایج حاصل از آن عبارت است از:

- هر دو داستان دارای درونمایه ای اجتماعی است که به توصیف مسائل اجتماعی صد سال پیش می پردازد: مسائلی چون فقر مادی، فرهنگی، اعتقادی، جایگاه متزلزل زن ایرانی، جامعه مرد سالار، کودک آزاری و... نویسنده در هر دو داستان مسائل حاکم بر جامعه آن روز را به روشنی تشریح نموده است.

- زاویه دید و شیوه روایت نیز در هر دو داستان مطابق شیوه نویسندگان رئالیست از منظر سوم شخص عینی یا اول شخص ناظر می باشد. نکته ای که حائز اهمیت است این است که، راوی

در «شکر تلخ» دانای کل است ولیکن دانای کل به شکل تعدیل شده آن، که مغایر با سبک رئالیست ها نیست.

- مکان ها در این داستان ها با وفاداری اکید نویسنده به جزئیات عینی توصیف می شوند و به آسانی در ذهن خواننده مجسم می شوند.

- زمان در این داستان ها برجسته و سیر خطی و تقویمی آن به خوبی مشهود است و جزئیات زمان - سال ، ماه ، روز ، ساعت و ... - ذکر شده است .

- توصیف ها جزء به جزء ، دقیق ، مشروح و کاملاً رئالیستی است و حواس بینایی، شنوایی، بویایی و لامسه خواننده را فعال می کند. همچنین توصیف شخصیت ها به گونه ای است که خواننده به سهولت قادر است آن ها را در مخیله خود تصور کند. گفتار و رفتار شخصیت ها در این داستان ها با جایگاه اجتماعی آنان و نیز با تربیتی که در خانواده و نظام آموزشی دریافت کرده اند، همخوانی دارد. انتخاب اسامی شخصیت ها متناسب با طبقه اجتماعی آن ها، داستان را باور پذیر می کند. نویسنده در بازنمایی واقعیت، نه راه مبالغه را در پیش گرفته و نه راه انکار. «شهری» توانسته به شخصیت پردازی واقع نمایانه و متقاعد کننده که از مهمترین اهداف نویسندگان رئالیست است، دست یابد و خواننده را به یاد انسان های واقعی در موقعیت های مشابه واقعی بیندازد.

- زبان غالب در این رمان ها زبان ساده و روز مره مردم عادیست و دارای نثری ساده و روان است. زبان و اصطلاحات و کلمات به کار رفته در آن ها با عصر و دوره قید شده در داستان ها هماهنگ است. در دو داستان استفاده از ضرب المثل ها و زبان محاوره و اصطلاحات عامیانه و اصطلاحات مشاغل مختلف در گفتگوی شخصیت ها به روشنی دیده می شود و بیانگر سطح سواد و جایگاه اجتماعی اشخاص است و واقعی بودن و باورپذیری داستان را دو چندان می کند.

مطالعه رئالیستی رمان های «شکر تلخ» و «کزنه» از جعفر شیری ۱۳۷۱

- پیرنگ نیز در این داستان ها رئالیستی است و وقایع از اصل علت و معلولی پیروی کرده اند و هر واقعه ای از واقعه پیشین منتج و خود به واقعه بعدی منجر می شود و موجب می شود که تمامی حوادث واقعی و باور پذیر جلوه نمایند. همه وقایع آن محتمل و غیر قابل انکار و باور پذیر هستند و ساختار داستان ها دارای آغاز ، میانه و فرجام می باشد.

کتابشناسی

- ۱- اسکولز، رابرت. (۱۳۷۸). عناصر داستان، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ۲- براهنی، رضا. (۱۳۹۳). قصه نویسی، تهران: نگاه.
- ۳- پاینده، حسین. (۱۳۹۵). داستان کوتاه در ایران (۱) (داستان های رئالیستی و ناتورالیستی)، چاپ سوم، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۳- پرهام، سیروس. (۱۳۹۴). رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، تهران: آگاه.
- ۴- پیک، جان. (۱۳۸۷). شیوه تحلیل رمان، ترجمه احمد صدارتی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- ۵- تراویک، باکتر. (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات جهان، ترجمه عربعلی رضایی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: نشر و پژوهش روز فرزاد.
- ۶- تودوروف، تزوتان. (۱۳۹۲). بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- ۷- ثروت، منصور. (۱۳۸۵). آشنایی با مکتب های ادبی، چاپ اول، تهران: سخن.
- ۸- جعفری لنگرودی، ملیحه. (۱۳۹۱). تفاوت رئالیسم اروپایی با واقع گرایی ایرانی، فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۴.
- ۹- جمالزاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۷۸). قصه نویسی، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۱۰- حدادی، نصرالله. (۱۳۷۸). راوی «تهران قدیم» هم رفت، شماره ۹۱-۹۴، صفحه از ۳۲ تا ۳۲.
- ۱۱- داد، سیما. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ سوم، تهران: مروارید.
- ۱۲- دقیقیان، شیرین دخت. (۱۳۷۱). منشأ شخصیت در ادبیات داستانی، چاپ اول، ناشر: نویسنده.
- ۱۳- دهباشی، علی. (۱۳۷۸). جعفر شهری هم رفت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، شماره ۸، صفحات ۳۳۰-۳۳۱.
- ۱۴- ساجکوف، بوریس. (۱۳۶۲). تاریخ رئالیسم، پژوهشی در ادبیات رئالیستی از رنسانس تا امروز، ترجمه محمد تقی فرامرزی، چاپ اول، تهران: نشر تندر.
- ۱۵- سلدن، رامان. (۱۳۷۵). نظریه ادبی و نقد عملی، ترجمه جلال سخنور و سیما زمانی، چاپ اول، انتشارات پویندگان نور.
- ۱۶- سید حسینی، رضا. (۱۳۶۶). مکتب های ادبی، تهران: نیل.
- ۱۷- شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی، چاپ دوم، تهران، فرهنگ نشر نو: انتشارات معین.

مطالعه رنالیستی رمان های «شکر تلخ» و «گزنه» از جعفر شهری ۱۲۹۱۱۱

- ۱۸- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). نقد ادبی، چاپ سوم از ویراست سوم، تهران: نشر میترا.
- ۱۹- شهری، جعفر. (۱۳۴۷). شکر تلخ، تهران: چاپ روز.
- ۲۰- همو. (۱۳۷۲). گزنه، تهران: انتشارات معین - پروین، چاپ آرمان.
- ۲۱- گرانت، دیمیان. (۱۳۷۵). رنالیسم (واقعگرایی)، ترجمه حسن افشار، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ۲۲- گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۸). باغ در باغ، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات نیلوفر.
- ۲۳- لاج، دیوید؛ وات، ایان؛ دیچز، دیوید؛... (۱۳۷۴). نظریه رمان، ترجمه حسین پاینده، چاپ اول، تهران: نشر نظر.
- ۲۴- لوکاچ، جورج. (۱۳۹۲). جامعه شناسی رمان، ترجمه محمد جعفر پوینده، تهران: ماهی.
- ۲۵- لوکاچ، گئورگ. (۱۳۹۵). پژوهشی در رنالیسم اروپایی، ترجمه اکبر افسری، تهران: علمی فرهنگی.
- ۲۶- مشیری، مهشید. (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی (الفبایی - قیاسی)، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر پیکان.
- ۲۷- موام، سامرست. (۱۳۵۶). درباره رمان و داستان کوتاه، ترجمه کاوه دهگان، چاپ سوم، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۲۸- میرصادقی، جمال؛ میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت. (۱۳۷۷). واژه نامه هنر داستان نویسی، تهران: کتاب مهناز.
- ۲۹- میر عابدینی، حسن. (۱۳۸۰). صد سال داستان نویسی ایران، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، تهران: نشر چشمه.
- ۳۰- میلانی، عباس. (۱۳۷۰). تهران و تجدد، مجله ایران نامه، سال نهم، ش ۳۵، صفحات ۴۴۱-۴۵۵.
- ۳۱- ولک، رنه. (۱۳۷۷). تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ۳۲- ولک، رنه؛ وارن، آوستن. (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر، چاپ اول، تهران: اندیشه های عصر نو، انتشارات علمی و فرهنگی.